

فهرست مطالب

۷		یادداشت ناشر	
۲۱		پیشگفتار	
۲۷	برتراند راسل	۱	برای چه زیسته‌ام
۳۰	اُسکار وایلد	۲	درآمدی بر تصویرِ دوریان گری
۳۳	سِر والتر راله	۳	مرازنوشته
۳۴	الکساندر پوپ	۴	نظام احسن
۳۵	رابرت براونینگ	۵	هنگامه نبرد
۳۷	کتلین رین	۶	سکوت
۳۸	رابرت براونینگ	۷	از یک نامه
۴۰	رابرت براونینگ	۸	قطعه شعری از «ربیع بن عذرا»
۴۱	رابرت سوتول	۹	نوزاد آتشین
۴۴	آلفرد ادوارد هاوسمن	۱۰	سودای عقل
۴۶	ویلیام شکسپیر	۱۱	بیابید از گورها سخن گوئیم
۴۶	آلفرد لرد تینسن	۱۲	من چیستم
۴۸	الکساندر پوپ	۱۳	سادگی و آرامش
۵۰	ساموئل تیلر کالریج	۱۴	دیانت عقل
۵۳	تی. کی. هاروی	۱۵	افسانه روح (دختری به نام پسوخه)
۵۸	مالتبای دی. بابکوک	۱۶	خانه پدرم
۶۰	ریچارد لاولیس	۱۷	عشق و جنگ
۶۲	جان گرینلیف ویتیر	۱۸	زیبایی

۶۲	ویلیام شکسپیر	۱۹	بهترین ما و بدترین ما
۶۳	جیمز هنری لی هانت	۲۰	ابن ادهم و فرشته
۶۶	ویلیام بلیک	۲۱	نی نواز
۶۹	ویلیام بلیک	۲۲	مطرب
۷۰	ویلیام بلیک	۲۳	خاک و سنگ
۷۱	هنری دیوید ثورو	۲۴	در ورای افق صوت
۷۲	رابرت براونینگ	۲۵	امید به فرجام نیک
۷۳	پرسی بیش شیلی	۲۶	اوزیماندياس
۷۵	پرسی بیش شیلی	۲۷	یکی و بسیار
۷۷	هنری وادزورث لانگفلو	۲۸	مادر طبیعت
۷۹	ویلیام شکسپیر	۲۹	آیا جهود چشم ندارد؟
۸۱	ویلیام شکسپیر	۳۰	سیلویا کیست
۸۴	ویلیام شکسپیر	۳۱	فلسفه پوچی
۸۶	هنری وادزورث لانگفلو	۳۲	بر پهنه آقیانوس
۸۸	ویلیام شکسپیر	۳۳	آوای خروس
۸۹	ویلیام شکسپیر	۳۴	نام چیست
۹۲	ویلیام شکسپیر	۳۵	زهر فراق
۹۶	امیلی دیکنسن	۳۶	در مدرسه طبیعت
۹۸	امیلی دیکنسن	۳۷	بلندای قامت ما
۹۹	هنری ون دایک	۳۸	زمان هزارچهره
۱۰۱	توماس کارو	۳۹	نغمه نام معشوق
۱۰۳	فرانسیس تامپسن	۴۰	در معنی کودک بودن
۱۰۵	فرانسیس تامپسن	۴۱	سرود سن کریستوفر
۱۰۷	ویستن هیو اودن	۴۲	در کابوس شب
۱۰۹	جرج سانتایانا	۴۳	خردجویان
۱۱۱	جرج سانتایانا	۴۴	تبعید
۱۱۲	رابرت هریک	۴۵	نماز با نرگس
۱۱۴	امیلی برونته	۴۶	جای نومیدی نیست
۱۱۶	رابرت هریک	۴۷	توبه
۱۱۷	رابرت هریک	۴۸	آسمان زیباست
۱۱۸	رابرت هریک	۴۹	گیاه عشق
۱۱۹	رابرت هریک	۵۰	دامنی از گل

۱۲۲	رابرت براونینگ	زمین در خوش‌ترین احوال	۵۱
۱۲۳	هنری وِن‌دایک	آرامش	۵۲
۱۲۴	هنری وِن‌دایک	چراغ راه سعادت	۵۳
۱۲۶	حکایتی تمثیلی از کتاب مقدس	فرزند مسرف	۵۴
۱۳۱	الیزابت بِرِت براونینگ	خدا در خیال کودک	۵۵
۱۳۴	توماس مور	گل آفتابگردان	۵۶
۱۳۵	ماری الیزابت کالریچ	جدایی	۵۷
۱۳۷	توماس تراهرن	تو هرگز لذت نخواهی برد مگر...	۵۸
۱۳۸	امیلی دیکینسن	شرابِ ناپورده	۵۹
۱۴۰	کاونتری پاتمور	اسباب‌بازی	۶۰
۱۴۲	ویلیام وردزورث	نگاهی به صبح لندن...	۶۱
۱۴۴	ناتانیل هوثورن	شکار شادی	۶۲
۱۴۵	الکساندر پوپ	دانش کم چیز خطرناکی است	۶۳
۱۴۶	کتلین رین	نقاب خداوند	۶۴
۱۴۷	کتلین رین	شبی در یک مسافرخانه محفّر	۶۵
۱۴۸	کتاب مقدس، سفر خروج	ده فرمان	۶۶
۱۵۱	دانیل دی‌فو	هرکجا خداوند خانه‌ای برمی‌افزاید	۶۷
۱۵۱	آن برونته	به یاد او	۶۸
۱۵۳	آن برونته	آخرین سخن	۶۹
۱۵۶	إدگار لی ماسترز	در ژرفای سکوت	۷۰
۱۶۲	امیلی دیکینسن	در معنی پیروزی	۷۱
۱۶۳	هنری دیوید ثورو	حال را دریاب	۷۲
۱۶۵	جان کیتس	ماهیان پاک بحر کبریا	۷۳
۱۶۸	رالف والدو امرسن	بدیهه‌نوازی آسمانی	۷۴
۱۶۹	شاعر ناشناس	دیدار صبحگاهی	۷۵
۱۶۹	سِر ایساک نیوتن	اقیانوس بزرگ حقیقت	۷۶
۱۷۰	ویلیام بلیک	برهٔ کوچک	۷۷
۱۷۲	ویلیام بلیک	سیب زهراگین	۷۸
۱۷۴	جان گی	سخنان شفابخش	۷۹
۱۷۵	کتلین رین	ما آهنگ‌ها را نمی‌شنویم	۸۰
۱۷۷	توماس کارلایل	کلمات قصار	۸۱
۱۷۸	سِر والتر اسکات	کتاب کتابها	۸۲

۱۸۱	رابرت لویی استیونسن	۸۳	جراح آسمانی
۱۸۳	رابرت لویی استیونسن	۸۴	ما همه مسافرانیم
۱۸۴	دی. اچ. لورنس	۸۵	ماشینها و میمونها
۱۸۴	ادوارد ریچاردز	۸۶	جغد پیر دانا
۱۸۵	رابرت لی فراشت	۸۷	مکئی در کنار بیشه در شب برفی
۱۸۷	ویلیام وردزورث	۸۸	شکوه طبیعت
۱۸۹	ادوین مارکهم	۸۹	در قلب گردباد
۱۹۰	جوزف جفرسن	۹۰	جاودانگی
۱۹۵	الا ویلر ویلکاگس	۹۱	چنین است جهان
۱۹۷	مزامیر حضرت داود، ۱۹	۹۲	عظمت خدا در خلقت
۲۰۰	رابرت لوئی استیونسن	۹۳	مزارنوشته
۲۰۱	هنری دیوید ثورو	۹۴	معمای هویت انسانی
۲۰۲	ویستن هیو اودن	۹۵	رسالت شاعر
۲۰۴	ویلیام شکسپیر	۹۶	ثمرات سختی و برکات بلا
۲۰۵	ویلیام وردزورث	۹۷	رنگین کمان
۲۰۶	والتر ویتمن	۹۸	به بخشندگان توانگر
۲۰۷	جان کیتس	۹۹	در نخستین آشنایی با هم به روایت چپمن
۲۰۹	جان کیتس	۱۰۰	نقش زیبایی
۲۱۰	دینا ماریا مولاک کرک	۱۰۱	حکمتی در باب دوستی
۲۱۱	جرج ماتیسن	۱۰۲	بنده خدا
۲۱۲	ویلیام بلیک	۱۰۳	چوپان
۲۱۳	جوئیس کیلمر	۱۰۴	درخت و شعر
۲۱۵	رالف والدو امرسن	۱۰۵	کوه و سنجاب
۲۱۷	آنی جانسون فلینت	۱۰۶	وعده‌های خداوند
۲۱۸	جرج مک‌دونالد	۱۰۷	گفت و گو با نوزاد
۲۲۱	ویلیام شکسپیر	۱۰۸	شکوه دنیوی
۲۲۲	ویلیام شکسپیر	۱۰۹	پندگویان ریایی
۲۲۲	ویلیام شکسپیر	۱۱۰	تاج خرسندی
۲۲۳	ویلیام شکسپیر	۱۱۱	انسان بی‌آهنگ
۲۲۴	ویلیام بلیک	۱۱۲	بسر
۲۲۷	هنری ون‌دایک	۱۱۳	رستگاری برای همه
۲۲۷	امیلی دیکنسن	۱۱۴	جز عشق هیچ نیست

۲۲۸	کتلین رین	۱۱۵	گناه تَرک
۲۲۹	کَتْلین رین	۱۱۶	گناه اصلی
۲۳۰	کریستینا روستی	۱۱۷	نغمه جدایی
۲۳۲	پیتر مانیکه	۱۱۸	عشق می‌ورزم پس هستم
۲۳۴	آلفرد لرد تنیسن	۱۱۹	گل وحشی
۲۳۵	آلفرد لُرد تنیسن	۱۲۰	گذر از خاکریز
۲۳۶	آلفرد لُرد تنیسن	۱۲۱	شک و یقین
۲۳۸	ویلیام بلیک	۱۲۲	باغ عشق
۲۴۰	ویلیام شکسپیر	۱۲۳	یاد دوست
۲۴۲	ویلیام شکسپیر	۱۲۴	زخم‌پذیر و رویین‌تن
۲۴۳	ویلیام شکسپیر	۱۲۵	شراب انگوری
۲۴۳	ویلیام شکسپیر	۱۲۶	سایه‌های شگفت
۲۴۵	ویلیام شکسپیر	۱۲۷	گفت و گوی پنهانی
۲۴۷	والت ویتمن	۱۲۸	نشسته‌ام و می‌نگرم
۲۴۹	جان میثفیلد	۱۲۹	بخند و شاد باش
۲۵۲	جان درآیدن	۱۳۰	جهان چگونه است؟
۲۵۳	جان درآیدن	۱۳۱	نغمه‌ای به یاد چچیلیای قدیس
۲۵۵	رالف اسپولدینگ کوشمان	۱۳۲	راز
۲۵۸	رادیارد کیپلینگ	۱۳۳	ای مادر
۲۶۰	ویلیام هنری دیویز	۱۳۴	فراغت
۲۶۲	جیمز راسل لوول	۱۳۵	علاء‌الدین
۲۶۳	ویلیام کاؤپر	۱۳۶	در باب انسانی زشت‌رو
۲۶۷	ویلیام ال. استیجر	۱۳۷	خدا را دیدم که جهان را می‌شوید
۲۶۹	امیلی دیکنسن	۱۳۸	مرگ گفت و گویی است
۲۷۰	امیلی دیکنسن	۱۳۹	وجد و نشاط
۲۷۲	ویلیام بلیک	۱۴۰	راز عشق
۲۷۳	چارلز هنسن تاون	۱۴۱	سکوت
۲۷۴	کتلین رین	۱۴۲	ازدواج پسوخه (روح)
۲۷۸	کتلین رین	۱۴۳	توبه
۲۸۱	کتاب مقدس	۱۴۴	از مواعظ عاموس نبی
۲۸۴	کتلین رین	۱۴۵	من کیستم
۲۸۵	موریس ایبل بی‌یر	۱۴۶	کلیسای درون

۲۸۶	آلفرد ادوارد هاوسمن	زیباترین درخت	۱۴۷
۲۸۸	ویلیام شکسپیر	گناه خودپرستی	۱۴۸
۲۸۹	جرج فاکنور	زن	۱۴۹
۲۹۰	هنری ون دایک	سرود شادی	۱۵۰
۲۹۳	کریستینا روسیتی	موهبت خواهر	۱۵۱
۲۹۴	ویلیام شکسپیر	در پیری خویش	۱۵۲
۲۹۷	ادوارد فینتزجرالد	فروغ راستین	۱۵۳
۲۹۸	امیلی بروئته	آخرین سخن	۱۵۴
۳۰۱	آکساندر پوپ	سعادت	۱۵۵
۳۰۱	تی اس بیوت	دانش کلمات و دانش کلمه	۱۵۶
۳۰۴	ویلیام شکسپیر	رحم	۱۵۷
۳۰۶	ادوارد فینتزجرالد	جام شگفت	۱۵۸
۳۰۷	بن جانسن	رایحه عشق	۱۵۹
۳۰۸	آنا ویکهم	یک چیز کامل	۱۶۰
۳۰۹	ویلیام شکسپیر	احساس جاودانگی	۱۶۱
۳۱۲	توماس هود	نغمه	۱۶۲
۳۱۳	هنری وون	بازگشت	۱۶۳
۳۱۴	ادوارد فینتزجرالد	گوی و چوگان	۱۶۴
۳۱۵	جان میسفیلد	خوش ترین زیبایی	۱۶۵
۳۱۶	ویلیام شکسپیر	شیپور شایعه	۱۶۶
۳۱۷	ای. جی. آبری	خطاب به حافظ	۱۶۷
۳۱۹	ویلیام شکسپیر	داستان مرگ شاهان	۱۶۸
۳۲۲	توماس تراهرن	حرکت به سوی معشوق کامل	۱۶۹
۳۲۴	کتلین رین	عدم	۱۷۰
۳۲۶	ادوارد فینتزجرالد	کاسه واژگون	۱۷۱
۳۲۶	ویلیام وُردزورث	نرگسهای زرد	۱۷۲
۳۲۹	ویلیام شکسپیر	بودن یا نبودن	۱۷۳
۳۳۲	ویلیام وُردزورث	خاطرات بهشت	۱۷۴
۳۳۷	الیزابت برت براونینگ	خوش ترین زندگیها	۱۷۵
۳۳۸	دی.اچ. لورنس	سرود مردی که به پختگی رسیده است	۱۷۶
۳۴۱	ویلیام شکسپیر	از زمین تا آسمان	۱۷۷
۳۴۲	آلفرد تنیسن	عشق و عاشق و معشوق	۱۷۸

۳۴۲	رالف والدو امرسن	۱۷۹	انسجام
۳۴۳	هوراتیوس بونار	۱۸۰	عشق از آن خداست
۳۴۴	کتلین رین	۱۸۱	مرگ
۳۴۵	متیو آرنولد	۱۸۲	نیایشگاه راگی
۳۶۰	ویلیام بلیک	۱۸۳	آدمی را برای شادی و غم ساخته‌اند
۳۶۱	ویلیام شکسپیر	۱۸۴	خیال خوبی
۳۶۲	سر والتر راله	۱۸۵	شکوه مرگ
۳۶۴	مری فرانسیس باتس	۱۸۶	در حصار امروز
۳۶۶	ویلیام شکسپیر	۱۸۷	خواب
۳۶۷	الکساندر پوپ	۱۸۸	الهیة نمایشهای سوگمند
۳۶۸	هنری جونز	۱۸۹	رحم
۳۶۹	لرد بایژن	۱۹۰	در صحبت طبیعت
۳۷۰	از کتاب مقدس	۱۹۱	خداوند شبان ماست
۳۷۱	ویلیام شکسپیر	۱۹۲	رؤیای عجیب
۳۷۲	جوزف آدیسن	۱۹۳	قصه ماه
۳۷۳	ویلیام شکسپیر	۱۹۴	در سایه درختان جنگل
۳۷۵	رالف والدو امرسن	۱۹۵	من می‌توانم
۳۷۶	رالف والدو امرسن	۱۹۶	کار بهتر
۳۷۶	والث ویتمن	۱۹۷	ایمان به مشیت پروردگار
۳۷۷	سر جان ساکلینگ	۱۹۸	عاشق ثابت‌قدم
۳۷۹	دی.اچ. لورنس	۱۹۹	کار با عشق
۳۸۰	ادوین مارکهم	۲۰۰	دایره بزرگ
۳۸۱	آلفرد ادوارد هاوسمن	۲۰۱	خاک آرام می‌ماند
۳۸۳	ویلیام شکسپیر	۲۰۲	تاجران بازار عشق
۳۸۳	آلفرد ادوارد هاوسمن	۲۰۳	وقتی عاشق تو بودم
۳۸۵	ادوارد فیتزجرالد	۲۰۴	دست تقدیر
۳۸۶	شاعر ناشناس	۲۰۵	و خدا زن را از پهلوی چپ مرد آفرید
۳۸۷	ساموئل تیلر کالریج	۲۰۶	بهترین دعا
۳۸۸	ویلیام شکسپیر	۲۰۷	وهم و پندار
۳۸۹	امیلی دیکنسن	۲۰۸	پرنده امید
۳۹۱	جرج هربرت	۲۰۹	متانت در گفتار
۳۹۲	کریستوفر مارلو	۲۱۰	دعوت چوپان عاشق از پری دریایی

۳۹۴	سر والتر راله	۲۱۱	پاسخ پری دریایی به چوپان عاشق
۳۹۸	ویلیام شکسپیر	۲۱۲	تکرار عشق
۴۰۰	هنری وون	۲۱۳	ورای ستارگان
۴۰۱	الیزابت بَرت براونینگ	۲۱۴	زمین آکنده از آسمان است
۴۰۲	ویلیام باتلر ییتز	۲۱۵	آرایش
۴۰۳	پرسی بیش شلی	۲۱۶	سلام بر چکاوک سحرخیز
۴۰۴	والت ویتمن	۲۱۷	به جایی می‌روند
۴۰۶	کریستینا روسیتی	۲۱۸	نبرد درون
۴۰۸	ویلیام کارلس ویلیامز	۲۱۹	رقص سرخ
۴۱۰	ویلیام شکسپیر	۲۲۰	توفان ناسپاسی
۴۱۱	چارلز کینگزلی	۲۲۱	وظیفه روزانه
۴۱۲	ادوین مارکهم	۲۲۲	شغل الهی
۴۱۳	رادیارد کیپلینگ	۲۲۳	شرق و غرب
۴۱۴	ویلیام شکسپیر	۲۲۴	اگر عاشق شدی
۴۱۵	آبراهام لینکلن	۲۲۵	بر من واجب نیست
۴۱۶	پرسی بیش شلی	۲۲۶	جزیره سبز
۴۱۷	جیمز راسل لورول	۲۲۷	رعد صدای خداست
۴۱۸	ویلیام شکسپیر	۲۲۸	بوسه دو عاشق
۴۲۰	متیو آرنولد	۲۲۹	ساحل دُور
۴۲۱	ویلیام شکسپیر	۲۳۰	طلای ناب را زراندود کردن
۴۲۲	هنری وادزورث لانگفلو	۲۳۱	تسلیم
۴۲۳	فنی کراسبی	۲۳۲	نابینا ولی شاد
۴۲۳	سارا تیزدیل	۲۳۳	سکه
۴۲۴	ویلیام شکسپیر	۲۳۴	آن لبها
۴۲۶	آرکیبالد مک‌لش	۲۳۵	هنر شاعری
۴۲۸	ساموئل تیلر کالریج	۲۳۶	سرچشمه‌ها
۴۲۹	ویلیام شکسپیر	۲۳۷	مبادله عجیب
۴۳۱	رالف والدو امرسن	۲۳۸	موسیقی
۴۳۲	کتاب مقدس	۲۳۹	راز
۴۳۳	ویلیام شکسپیر	۲۴۰	چنگ ارفئوس
۴۳۴	جوزف آدیسن	۲۴۱	موسیقی
۴۳۵	ویلیام شکسپیر	۲۴۲	عمر جاوید

۴۳۷	هنری فردریک آمیل	حماسه قهرمانی	۲۴۳
۴۳۸	رالف والدو امرسن	ستارگان	۲۴۴
۴۳۹	هری کیمپ	معمار هستی	۲۴۵
۴۴۱	ویلیام شکسپیر	سحر موسیقی	۲۴۶
۴۴۱	جان میسفیلد	شاهراه پروردگار	۲۴۷
۴۴۲	فرانسیس بیکن، مقالات	مطالعه	۲۴۸
۴۴۶	حماسه ادبی انگلوساکسن ها	بیوگرافی	۲۴۹
۴۵۰	ویلیام شکسپیر	دلچسپی شگفت	۲۵۰
۴۵۲	والتر ویتمن	معجزه	۲۵۱
۴۵۴	شوین برن	من خسته‌ام	۲۵۲
۴۵۵	بن جانسن	شراب نگاه	۲۵۳
۴۵۷	ویلیام شکسپیر	گیتی تماشاخانه است	۲۵۴
۴۶۰	جوزف آدیسن	زن	۲۵۵
۴۶۱	ادگار آلن پو	غراب	۲۵۶
۴۷۳	ویلیام شکسپیر	عشق کوکب هدایت است	۲۵۷
۴۷۵	ویلیام شکسپیر	مقلد خورشید	۲۵۸
۴۷۶	سر فیلیپ سیدنی	ای محبوب	۲۵۹
۴۷۸	از ترجمه فارسی کتاب مقدس	خوشبختی واقعی	۲۶۰
۴۷۹	توماس هاردی	من او را کشتم	۲۶۱
۴۸۰	پرسی بیش شلی	آدوینس نمرده است	۲۶۲
۴۸۴	از رساله فرنیپیان	محبت، بزرگ‌ترین عطا	۲۶۳
۴۸۷	شارلوت برونته	زندگی و امید	۲۶۴
۴۸۹	ویلیام شکسپیر	موسیقی چه می‌گوید	۲۶۵
۴۹۰	ویلیام هزلیت	هاملت کیست	۲۶۶
۴۹۲	کارل ساندرگ	اعجاز علف	۲۶۷
۴۹۵	لئونارد پرنشتاین	راز موسیقی	۲۶۸
۴۹۵	ویلیام شکسپیر	در آستانه مرگ	۲۶۹
۴۹۷	جی. ای. استادرت کندی	آرامش	۲۷۰
۴۹۸	جان میلتن	کشتن کتاب خوب	۲۷۱
۴۹۹	امیلی دیکنسن	آن کس که بهشت را...	۲۷۲
۵۰۰	پرسی بیش شلی	سرود زندگی	۲۷۳
۵۰۱	جان گرینلیف ویتیر	شهود جان بانیان	۲۷۴

۵۰۲	سر فیلیپ سیدنی	عشق خاکی ناپایدار	۲۷۵
۵۰۴	جان کوئینسی آدامز	نیایش نور	۲۷۶
۵۰۵	لرد بایژن	سرود آزادی	۲۷۷
۵۰۶	ویلیام شکسپیر	اژدهای آدمخوار	۲۷۸
۵۰۸	جان راسکین	برای شاد بودن	۲۷۹
۵۰۹	اِتل رُمیگ فولر	جعبه جادویی	۲۸۰
۵۱۱	آنجلا مورگان	صغیر سیمرخ	۲۸۱
۵۱۲	کتلین رین	دنیای تازه کودکان	۲۸۲
۵۱۳	امیلی برونته	بهترین دعا	۲۸۳
۵۱۴	جان میلتن	عروس آسمان	۲۸۴
۵۱۶	هنری وادزورث لانگفلو	حیات مردان نامی	۲۸۵
۵۱۷	رابرت برن	گل سرخ	۲۸۶
۵۱۸	هنری وون	یاد یاران	۲۸۷
۵۱۹	راڈیازد کیپلینگ	اگر	۲۸۸
۵۲۳	ادوارد فیتزجرالد	اغتنام فرصت	۲۸۹
۵۲۴	والتر سویچ لندور	با هیچکس جدال و کشاکش نداشتم	۲۹۰
۵۲۴	ویلیام شکسپیر	چاپلوسی	۲۹۱
۵۲۶	ویلیام شکسپیر	موسیقی زندگی	۲۹۲
۵۲۶	ویلیام بلیک	خداوند ظاهر می شود	۲۹۳
۵۲۷	ویلیام شکسپیر	غذای عشق	۲۹۴
۵۲۹	هنری وادزورث لانگفلو	خطاب به کودکان	۲۹۵
۵۲۹	ویلیام شکسپیر	عشق کالای نقد جهان است	۲۹۶
۵۳۱	ویلیام شکسپیر	کلمه قصار	۲۹۷
۵۳۱	ویلیام بلیک	بیماری گل سرخ	۲۹۸
۵۳۲	رالف والدو امرسن	فرمان دل را گرامی دار	۲۹۹
۵۳۳	ویلیام شکسپیر	خیر و شر	۳۰۰
۵۳۵	آلفرد تنیسن	شکوه عقاب	۳۰۱
۵۳۶	رالف هاجسان	آمد و دست مرا گرفت	۳۰۲
۵۳۷	جان بانیان	شعری در معرفی کتاب سیر و سلوک ترسا	۳۰۳
۵۳۸	آنجلوس سبلیسیوس	صلیب درون	۳۰۴
۵۳۹	آنا باربو	گفتگویی با زندگی	۳۰۵
۵۴۰	فرانسیس آن کمبل	درمان فراق	۳۰۶

۳۰۷	اقلیم ناشناخته	۵۴۴	والث ویتمن
۳۰۸	همدستی با سرنوشت	۵۴۶	إدوارد فیتزجرالد
۳۰۹	عشق من عشق من	۵۴۷	کتلین رین
۳۱۰	شادی در کار	۵۴۸	توماس کارلایل
۳۱۱	صیقل روح	۵۴۹	جوزف آدیسن
۳۱۲	وظیفه شاد زیستن	۵۵۰	ساموئل تیلر کالریج
۳۱۳	اشک و آواز	۵۵۱	کریستینا روسیتی
۳۱۴	مزارنوشته	۵۵۲	بنیامین فرانکلین
۳۱۵	باد و چنگ	۵۵۳	ادوین مارکهم
۳۱۶	عشق چیست	۵۵۵	سر والتر راله
۳۱۷	دعای صبر	۵۵۶	جان میلتن
۳۱۸	من راست و درست خواهم بود	۵۵۷	هوارد آرنولد والتر
۳۱۹	روح هرگز زاده نشده است	۵۵۸	سر ادوین آرنولد
۳۲۰	جنون فوق عقل	۵۶۰	امیلی دیکینسن
۳۲۱	در کویر ما	۵۶۱	وینستن هیو اودن
۳۲۲	بوسه دیر هنگام	۵۶۲	دژرتی آلدیس
۳۲۳	مرگ هر کس از من کاهد	۵۶۳	جان دان
۳۲۴	در اهمیت کتاب خواندن	۵۶۴	جان راسکین
۳۲۵	این تخت و دیهیم پادشاهان	۵۶۷	ویلیام شکسپیر
۳۲۶	قبله دعا	۵۶۸	ویلیام بلیک
۳۲۷	جنگ هفتاد و دو ملت	۵۷۰	الکساندر پوپ
۳۲۸	چشمان معشوق من	۵۷۱	ویلیام شکسپیر
۳۲۹	آخرین سخنان اتللو	۵۷۳	ویلیام شکسپیر
۳۳۰	پشت پرده نان	۵۷۳	مالتبای دی. بابکوک
۳۳۱	درویش دوره گرد	۵۷۴	رابرت لویی استیونسن
۳۳۲	دیگ هولناک	۵۷۶	ویلیام شکسپیر
۳۳۳	هر دم از این باغ بری می رسد	۵۸۰	رالف والدو امرسن
۳۳۴	با جمله آفریدگان بیامیز	۵۸۱	هنری وون
۳۳۵	تیر و آواز	۵۸۳	هنری وادزورث لانگفلو
۳۳۶	هارون الرشید	۵۸۴	هنری وادزورث لانگفلو
۳۳۷	بیمار می میرد	۵۸۶	ویلیام شکسپیر
۳۳۸	رؤیا	۵۸۷	جبران خلیل جبران

۵۹۰	جان میلتن	۳۳۹	نیایش با الهه شعر
۵۹۴	رالف والدو ایرسن	۳۴۰	آدمی را می توان شناخت
۵۹۵	جوزف آدیسن	۳۴۱	شوق جاودانگی
۵۹۶	ویلیام شکسپیر	۳۴۲	خطاها و فضایل
۵۹۷	ویلیام شکسپیر	۳۴۳	مراتب و معیارها
۵۹۸	گُرد بائِرِن	۳۴۴	خوش ترین تماشا
۵۹۹	مَتیو آرنولد	۳۴۵	در ستایش شکسپیر
۶۰۱	فرانسیس تامپسن	۳۴۶	جهانهای غیب
۶۰۲	توماس تراهرن	۳۴۷	در ماهیت عشق
۶۰۳	ویلیام شکسپیر	۳۴۸	پاک ترین گنجینه
۶۰۴	مارگارت سَنکسْتِر	۳۴۹	گناه ترک
۶۰۶	سر والتر راله	۳۵۰	در ماهیت زندگی
۶۰۸	سر توماس براون	۳۵۱	روح خدا
۶۰۹	ویلیام شکسپیر	۳۵۲	آتش پرومته
۶۱۰	ویلیام شکسپیر	۳۵۳	آدمی مالکِ چیست
۶۱۰	پرسی بیش شلی	۳۵۴	باد وحشی مغرب
۶۱۳	توماس هاردی	۳۵۵	جاودانگی او
۶۱۵	ابراهام لینکلن	۳۵۶	باورهای ابراهام لینکلن
۶۱۶	جان میلتن	۳۵۷	شرارت ناتوانی است
۶۱۶	والت ویتمن	۳۵۸	تناقض گویی
۶۱۷	سر جان ساکلینگ	۳۵۹	عاشق وفادار
۶۱۸	ماری آشلی تاوئسند	۳۶۰	باور
۶۱۹	والت ویتمن	۳۶۱	درگشت و گذار اندیشه
۶۲۰	الکساندر پوپ	۳۶۲	در مقام انسان
۶۲۴	هلن کلر	۳۶۳	باورهای من
۶۲۷	هلن کلر	۳۶۴	در باغ خداوند
۶۲۹	ادموند اسپنسر	۳۶۵	ای زیبارویان جهان
۶۳۳			فهرست شاعران و نویسندگان

پیشگفتار

هرچند دو سرزمین ایران و انگلیس نزدیک هزار فرسنگ با هم فاصله دارند و هزاران آداب و اطوار گوناگون دینی و تاریخی و سنت‌ها و آئین‌ها و خلق و خوی و مزاج و تربیت و زبان و گویش آنها را از هم جدا می‌کند اما در ساحت زَرین ادبیات اگر نگوییم که این دو قوم در اقلیم واحدی زیست می‌کنند کم از این نیست که همسایگان دیوار به دیوارند. از آن‌که ادبیات در نقطه‌های اوج آینه فطرت الهی آدمی است و آن فطرت از شرق و غرب و مکان و زمان بیرون است. رادیارد کیپلینگ شاعر و داستان‌سرای اخیر انگلیس گفته است شرق، شرق است و غرب، غرب، و این دو برادر همزاد هرگز با هم دیدار نمی‌کنند. اما هرکجا سخن از هنرمندی یا شاعری یا حکیمی یا قدیسی بزرگ باشد، آنجا شرق و غرب با هم به راستی دیدار می‌کنند و روی می‌بوسند و کنار هم می‌نشینند^۱ زیرا ادبیات و دین و هنر و علم همه زبان دل است و آن‌جا تُرک و تازی و فارسی راه ندارد.

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان هم‌دلی خود دیگر است هم‌دلی از هم‌زبانی خوش‌تر است
و اگر کسانی در سودای جهانی کردن ارزشها و برقراری صلح و دوستی در

۱. گفته‌های کیپلینگ نقل به مضمون و با تفسیر ترجمه شده، اما مطلب همین است.

میان اقوام بشر باشند خوش‌ترین راه بازگشت به هنر و ادبیات و اخلاق است. جوهر ادبیات اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه استقلال و آزادی و برابری انسانها از زن و مرد در پیشگاه حقیقت است. که خداوند در کتاب وحی فرمود: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ (حجرات، ۱۳).

یعنی قوم و قبیله و ملیت و جغرافیا و ظواهر آداب و سنن کسی را مقامی نمی‌بخشد، بلکه آنچه آدمی را در پیشگاه حق (و به تعبیر دیگر نزد همه آدمیان) عزیز و محبوب می‌کند همان تقواست که مخرج مشترک اخلاق بشری است و حتی نیاز به ارائه تعریف ندارد؛ زیرا انسان پرهیزگار و ناپرهیزگار را همه مردمان می‌شناسند و گواه درستی این شناسایی باز ادبیات جهان است که همه جا قدیسان و پاکان و خوبان به اوصاف مشابهی وصف شده‌اند و اگر سعدی گفت:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
 چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
 تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی
 و این سخن را اقوام و ملل گوناگون پسندیدند و بر پیشانی دفتر سازمان ملل نقش کردند، نشان می‌دهد که این سخن یک اعلامیه جهانی است. از شرق نیست و از غرب نیست. این ندا از دل آدمی بر می‌خیزد و بر دل‌های همه آدمیان می‌نشیند.

کتاب حاضر دومین اثر از مجموعه «جوانان و فرهنگ جهانی» است. در نخستین اثر از جوانان و نوجوانان دعوت کردیم که یک سال تمام هر روز در صحبت سعدی ادب و حکمت آموزند و اینک در این کتاب که عنوان «در قلمرو زرین» بر آن نهادیم دعوت ما این است که یک سال هر روز ساعتی در صحبت شاعران و نویسندگان ادب انگلیس و امریکا به سر برند و از شهد لطف و شراب ذوق و حکمت صاحب‌دلان آن دیار تناول کنند و

در کنار آن نیز با نقلی از لعل شاهدان پارسی گو کام خود شیرین گردانند. در دیباچه کتاب نخستین از آینه جهانی ادبیات سخن گفتیم و اشاره کردیم که آثار بزرگ ادب جهان هریک آینه‌ای هستند در پیش روی فطرت الهی ما تا در آن بنگریم و گوهر ذات خویش را بهتر بشناسیم و با پیروی از صراط مستقیم فطرت، که همان فطرت خدا و دین و آیین خداست، به جانب فرشتگان سه‌گانه زیبایی و دانایی و نیکویی حرکت کنیم و در صحبت آنان به شادی حقیقی و پایدار برسیم. «در قلمرو زرین» نیز سیری است در سرزمین حوریان و پریان ادب انگلیس. و دیدار با نازنینانی که می‌توان به روی ایشان می‌گلگون نوشید. در این سرزمین شاه پریان ویلیام شکسپیر است که بر تخت پادشاهی این ملک چون خورشید می‌درخشد و با همه شکوه و هیبت دروازه‌های قصر خود را به روی همگان باز کرده و بارعام داده است. سخنان بدیع می‌گوید از حکمت الهی و مواعظ نیکو و طنزهای شیرین و حکایت‌های عبرت‌آموز و پندها می‌دهد که گوش را از درّ و گوهر گرانبهاتر است. گاه او را می‌شنویم که می‌گوید:

خود را آخرین کس دوست بدار
 آنها که از تو نفرتی در دل دارند دل‌هایشان را شاد کن
 و بدان که فساد و تباهی هرگز سودی بیش از راستی و درستی
 نخواهد داشت

در دست راستت صلح و مهربانی را حمل کن
 تا زبان حسودان را خاموش کنی

و خوش است از چنین حکیمی قصه شنیدن و پایان کارهای نیک و بد آدمیان دریافتن. او بیش از سی قصه بلند گفته است که هریک برای یک شب دراز زمستانی یا یک روز بلند تابستانی بسنده است. ملکه پریان این سرزمین ادموند اسپنسر است که منظومه ملکه پریان را به عاشقان ادب عرضه کرد تا در فضای خیال‌انگیز آن بخرامند و با نیکوان عشق ورزند و

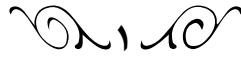
از پهلوانان شریف و شجاع آن منظومه مهتابی بیاموزند که چگونه باید با دیوها و غولهای حرص و هوا و اژدهای سالوس و ریا نبرد کرد و پیروز و سرفراز بیرون آمد.

در این اقلیم آسمانی می‌توان دمی چند به صحبت شاهزاده نابینایی چون جان میلتون رسید که به نور دیده عشق از قاف تا قاف آفرینش را سیر کرده و داستان آدم را از آغاز خلقت تا روز داوری بازگفته است. می‌توان در صحبت برتراند راسل فیلسوف و ریاضی‌دان بزرگ معاصر نشست و شنید که چگونه عمر خود را تمام در کار عشق و زیبایی و دانایی و نیکویی صرف کرده است.

خواننده تفرج‌کنان در این کتاب پیش می‌رود و هر دم به معرکه‌ای و حلقه‌ی جاذبه‌ای می‌رسد. در یک سو والت ویتمان را می‌بیند که سلامی بلندبالا به تمامی اهل عالم می‌کند، به سیاه و سپید و به مؤمن و کافر، و در گوشه‌ای دیگر به حضور شاعری چون ادوین مارکهم می‌رسد که رهگذران را فرا می‌خواند تا همه دست به دست هم دهند و سرودخوانان و رقص‌کنان به حضور پروردگار خویش رسند و آن‌جا بی هیچ تشویش خاطر شادی و دست‌افشانی کنند.

و راست گفت سنائی که ملک او از روم و چین عجیب‌تر و بدیع‌تر است. بس که شنیدی صفت روم و چین خیز و بسا ملک سنائی ببین امید است که دیدار کوتاه خوانندگان با این گزیده کوچک از بزرگان این اقلیم شعله عشقی در دل‌های ایشان بی‌فروزد تا پس از این آشنایی مختصر، خود نشان تخت و بارگاه یا صومعه و خانقاه ایشان را بگیرند و به حضورشان بار یابند و عاشق روی و مقیم کوی ایشان شوند.

و سلام بر مُلک‌آفرینان جهان باد
حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای
زمستان ۸۵



برای چه زیسته‌ام برتراند راسل

What I Have Lived for

Three passions, simple but overwhelmingly strong, have governed my life: the longing for love, the search for knowledge, and unbearable pity for the suffering of mankind. These passions, like great winds, have blown me hither and thither, in a wayward course, over a deep ocean of anguish, reaching to the very verge of despair.

I have sought love, first, because it brings ecstasy – ecstasy so great that I would often have sacrificed all the rest of life for a few hours of this joy. I have sought it, next, because it relieves loneliness, that terrible loneliness in which one shivering consciousness looks over the rim of the world into the cold unfathomable lifeless abyss. I have sought it, finally, because in the union of love I have seen, in a mystic miniature, the prefiguring vision of the heaven that saints and poets have imagined. This is what I sought, and though it might seem too good for human life, this is what at last I have found.

With equal passion I have sought knowledge. I have wished to understand the hearts of men. I have wished to know why the stars shine. And I have tried to apprehend the Pythagorean power by which number holds sway above the flux. A little of this, but not much, I have achieved.

Love and knowledge, so far as they were possible led upward toward the heavens. But always pity brought me back to earth. Echoes of cries of pain reverberate in my heart. Children in famine, victims tortured by oppressors, helpless old people a hated burden to their sons, and the whole world of loneliness, poverty, and pain make a mockery of what human life should be. I long to alleviate

the evil, but I cannot, and I too suffer.

This has been my life. I have found it worth living, and would gladly live it again if the chance were offered me.

Bertrand Russell

سه شوقِ ساده، ولی قاهر و نیرومند، بر زندگی من فرمان رانده‌اند: یکی سودای عشق، یکی طلب دانش و دیگر احساسی تحمل‌ناپذیر از شفقت و همدردی با آلام بشری. این سه احساس، چون بادهای تند، مرا خودسرانه به این سوی و آن سوی کشانده و گاه بر اقیانوسی از غم، تالاب گرداب نومیدی، پیش رانده‌اند.

نخست جویای عشق بوده‌ام از آنکه عشق وجد و شادی می‌آفریند؛ وجدی آنچنان ژرف که حاضر بوده‌ام برای به دست آوردن چند ساعت از آن شادیِ شگفتِ باقیِ عمرم را نثار کنم. دیگر بدان خاطر که عشق آدمی را از رنج تنهایی می‌رهاند؛ تنهایی هولناکی که در آن آدمی، لرزان و ترسان، در مرز هستی، به دره بی‌انتهای نیستی می‌نگرد (و بر خویش می‌لرزد) و سرانجام، عشق را بدان خاطر جویا بوده‌ام که، در اتحادِ عشق، بهشتی را که در خیال قدیسان و شاعران گذشته است، در یک مینیاتور عرفانی، به چشم دیده‌ام. اینهاست آنچه در عشق جستجو کرده‌ام و یافته‌ام، هرچند که عشق از آن خوب‌تر است که با زندگی آدمیان درآمیزد. دانش را نیز با همین شوق و شور طلب کرده‌ام و پیوسته آرزو داشته‌ام که از راز دل آدمی باخبر شوم و سرتابش ستارگان را دریابم و کوشیده‌ام تا رموز اعداد فیثاغورسی را که بر جهان کون و فساد حاکمند بشناسم. و در این راه به اندک بهره‌ای دست یافتم.

عشق و دانش، این دو شوقِ نخست، بدان قدر که از آنها بهره یافتم، مرا به سوی آسمان سوق داده‌اند، اما احساس شفقت و همدردی با رنجهای

آدمیان پیوسته مرا به زمین بازگردانده است. پژواک فریادهای دردآلود در قلبم به اهتزاز می‌آید. کودکانِ قحطی‌زده، قربانیانِ شکنجه‌های جلاخانِ ستمکار، کهنسالان ناتوان و بیچاره‌ای که خود را بار منفوری بر دوش فرزندان احساس می‌کنند و تمامی دنیای تنهایی و فقر و رنجِ طنز تلخی است که آرمانهای بلند انسانی را ریشخند می‌کند. در دلم بوده است که از شدت رنجها و کثرت شرور در جهان بکاهم. اما توفیقی نیافته‌ام و خود نیز از این شرور و بدیها رنج برده‌ام.

این راهی است که من در زندگی پیموده‌ام و آن را شایسته زیستن یافته‌ام و اگر بار دیگر موهبت زندگی عظیم شود با خوشحالی همین راه را خواهم پیمود.



برتراند راسل (۱۸۷۲-۱۹۷۰)، فیلسوف و ریاضی‌دان و نویسنده بزرگ انگلیسی، در شهری در منطقه ولز انگلستان به دنیا آمد. در کودکی یتیم شد و نزد پدر بزرگ خود پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی را در شهر زادگاهش گذرانید و سپس به دانشگاه کمبریج رفت و به مطالعه و تحقیقات ریاضی پرداخت. مهم‌ترین اثر او در ریاضیات، که به کمک استادش آلبرت وایتهد، فیلسوف معروف انگلیسی، تصنیف کرد *Principia Mathematica* نام دارد که ظاهراً به فارسی ترجمه شده است. وحدت ریاضیات و منطق در این کتاب به تفصیل طرح شده است. از آثار معروف دیگر او تاریخ فلسفه غرب، ازدواج و اخلاق، مقالات شک‌آمیز، چرا مسیحی نیستم، و مقاله «چرا کمونیست نیستم» را می‌توان نام برد.

راسل به سبب کیفیت و کمیت چشمگیر آثارش، به‌خصوص در زمینه فلسفه و علوم انسانی، جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۵۰ را به خود اختصاص داد. راسل همچنین زندگینامه خود را به تفصیل به قلم خود نگاشته که متن فوق پیش‌درآمد و می‌توان گفت خلاصه آن کتاب است.

